

۱ اشتقاق فیلسوفان به دو گروه عقل‌گرا و تجربه‌گرا، به کدام مسئله مربوط می‌شود؟

- ۱ اختلاف‌نظر در مورد برتری عقل بر حس
 ۲ نقش عقل در شناخت موجودات طبیعی
 ۳ قلمرو و محدودیت‌های قوه عقل
 ۴ کاربردهای مختلف مفهوم عقل

۲ کدام عبارت برای یک فیلسوف تجربه‌گرا غیرقابل پذیرش است؟

- ۱ روشی که عقل با آن به شناخت واقعیت می‌رسد، روش تجربی است.
 ۲ عقل انسان، قادر به شناخت قانون‌های طبیعت است.
 ۳ انسان به کمک عقل، امور زندگی خود را تدبیر می‌کند.
 ۴ عقل، نقشی در بررسی و اثبات درستی گزاره‌ها ندارد.

۳ کدام گزینه با نظر دکارت درباره عقل سازگار است؟

- ۱ عقل همان دستگاه تفکر و استدلال است که ابزار شناخت انسان قرار می‌گیرد.
 ۲ گزاره‌هایی که از طریق عقل نمی‌توانند مورد بررسی قرار بگیرند، قابل اعتناء نیستند.
 ۳ با عقل می‌توان وجود خدا و عالم عقول را که عالمی برتر و متعالی است، اثبات کرد.
 ۴ دانش‌هایی که با قوه عقل به دست می‌آید، بدون استفاده از حس و تجربه و صرفاً با چینش استدلال است.

۴ با توجه به نظر هراکلیتوس درباره عقل، کدام عبارت درست است؟

- ۱ حقیقتی به نام لوگوس وجود دارد که به معنای قدرت تفکر و تعقل است و همان نطق و سخن است.
 ۲ نسبت اشیاء عالم به موجودات متعالی و مجرد مانند کلمات و سخن به قدرت تفکر است.
 ۳ هم موجودات مجرد و هم موجودات مادی، ظهور و تجلی قوه عقل هستند.
 ۴ موجودات عالم برتر و متعالی را می‌توان از طریق شهود درک کرد.

۵ کدام عبارت درست است؟

- ۱ روح انسان می‌تواند به مرتبه‌ای از عالم عقل برسد که در عین برخورداری از قوه استدلال، بسیاری حقایق را شهود کند.
 ۲ موجودات عالم عقول، مجرد از ماده هستند و فقط در افعال خود از ابزار مادی استفاده می‌کنند.
 ۳ قوه عقل انسان نیز می‌تواند همچون فرشتگان بسیاری از حقایق را شهود نماید.
 ۴ علم موجودات مجرد از ماده، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم است.

۶ واژه «لوگوس» در فلسفه هراکلیتوس به کدام گزاره اشاره ندارد؟

- ۱ اشیاى جهان همان کلمات عقل هستند.
- ۲ عقل تنها در قالب کلمات و سخن ظهور می‌یابد.
- ۳ این واژه به هر دو معنای عقل اشاره دارد.
- ۴ عقل و نطق هر دو مصداق لوگوس هستند.

۷ کدام گزینه در مورد «مصدق وجودی عقل» نادرست است؟

- ۱ علم این قبیل موجودات از طریق استدلال و تعریف نیست.
- ۲ منظور از مصداق وجودی عقل، همان موجودات مجرد از جسم هستند.
- ۳ اثبات وجود این موجودات، صرفاً با دلیل و برهان ممکن است.
- ۴ روح هر انسانی می‌تواند مانند عقول، همه حقایق را شهود کند.

۸ کدام گزینه درباره «اگوست کنت» صحیح است؟

- ۱ کارکرد عقل در پرداختن انطباعات حسی و داده‌های تجربی است.
- ۲ شناخت عقلی در آدمی به امور انتزاعی و ذهنی می‌پردازد.
- ۳ آنچه نقش عقل در شناخت شمرده می‌شود ناظر به واقعیت نیست.
- ۴ اصول عقلی ساخته و پرداخته فیلسوفان است و قابل اعتنا نیست.

۹ کدام گزینه نمی‌تواند از عقاید دکارت درباره عقل باشد؟

- ۱ عقل انسان دارای بدیهیاتی است.
- ۲ وی قائل به شناخت تجربی برای عقل نیست.
- ۳ استدلال عقلی محض در شناخت معتبر است.
- ۴ عقل متعالی و برتر از ماده را به رسمیت نمی‌شناخت.

۱۰ در مورد گوینده جمله «به پا خیزید که کسی شما را با فلسفه و فکر باطل نرباید که این‌ها همه برحسب اصول دنیوی است، نه برحسب ایمان به مسیح.» کدام عبارت صحیح است؟

- ۱ از لحاظ فکری در دسته فلاسفه دوره دوم حاکمیت کلیسا قرار می‌گیرد.
- ۲ هدف او ایجاد سازگاری میان اندیشه دینی مسیحیت و عقل بود.
- ۳ ایمان قوی را از آن کسی می‌داند که به استدلال‌های عقلی پایبند باشد.
- ۴ از نظر وی عقل نه تنها ایمان‌زا نیست، بلکه سبب سست شدن آن است.

۱۱ کدام عبارت نادرست است؟

- ۱ در دوره اول حاکمیت کلیسا، عقل امری شیطانی و در مقابل ایمان دانسته می‌شد.
- ۲ روی آوردن فیلسوفان مسیحی به عقل و عقلانیت در قرن‌های دهم تا سیزدهم، در پرتوی مطالعه آثار فیلسوفان مسلمان رخ داد.
- ۳ تقسیم فیلسوفان اروپایی در دوره رنسانس به عقل‌گرایان و تجربه‌گرایان به دلیل اختلاف آنان درباره قلمروی شناخت حسی و عقلی بود.
- ۴ امروزه اثبات عقلی و منطقی در میان فیلسوفان اروپایی تنها در محدوده ریاضیات پذیرفته می‌شود.

۱۲) کدام گزینه در تبیین عبارت زیر مناسب است؟

«سخن گفتن درباره آن همیشه نشان داده است که آدمی تا چه اندازه در درک و تبیین آن ناتوان است.»

- ۱) حقیقت متعالی و برتر نامتناهی در استدلال دکارت درباره خدا
- ۲) شباهت حقیقت برتر نزد هراکلیتوس با تائو در نظر لائوتسه
- ۳) تعامل عقل نظری و عملی در نظرگاه ارسطو در باب عقل
- ۴) صول شهود انسان به حقایق مجرده و مافوق عالم طبیعت

۱۳) کدام عبارت درباره عقل به معنای یک موجود متعالی عبارت صحیحی را بیان می‌کند؟

- ۱) این موجود فاقد هرگونه استعداد جهت تغییر است.
- ۲) تماماً بی‌نیاز از استدلال مفهومی و ابزار مادی نیست.
- ۳) این معنا از عقل در فلسفه فاقد کاربرد است.
- ۴) چنین جایگاهی توسط انسان قابل دستیابی نیست.

۱۴) کدام عبارت در مقایسه با سایر گزینه‌ها تعریف جامع‌تری از عقل (به معنای رایج بین مردم) ارائه می‌دهد؟

- ۱) وسیله پیشرفت در رشته‌های علمی ریاضیات، فیزیک و فلسفه
- ۲) قوه‌ای که باعث تشخیص خوب از بد و حق از باطل می‌شود.
- ۳) ابزار استدلال و درک حقایق و رسیدن به دانش‌های مختلف
- ۴) حجت درونی انسانی، برای تشخیص راه درست زندگی

۱۵) در دوره‌ی دوم حاکمیت کلیسا در غرب، برتری عقل در مقابل دین، بیش‌تر تحت تأثیر کدام عامل بود؟

- ۱) به حاشیه رانده شدن دین در زندگی انسان
- ۲) جدائی فیلسوفان عقل‌گرا از فلاسفه‌ی تجربه‌گرا
- ۳) کشف توانایی عقل بر اثبات مسائل و آموزه‌های دینی
- ۴) مطالعه‌ی کتاب‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد توسط فیلسوفان مسیحی

۱۶) با توجه به آثار و آرای افلاطون و ارسطو، کدام مطلب را نمی‌توان برداشت کرد؟

- ۱) بدن انسان هم محدود و هم همواره در حال تغییر و تحول است، ولی روح وی، امری مجرد و جاودانه است.
- ۲) اندیشه‌ورزی که وجه متمایزکننده‌ی انسان از سایر موجودات جهان است، تنه به بُعد روحی انسان اختصاص دارد.
- ۳) علاوه بر بُعد جسمانی و مادی، می‌توان برای انسان بُعدی ماورای بدن قائل شد که حقیقت انسان را دربرمی‌گیرد.
- ۴) از طریق دلایل اخلاقی، می‌توان به این استنتاج رهنمون شد که نفس، نامرئی، غیرفانی و دارای عقل و خرد است.

۱۷) کدام گزینه را می‌توان عامل به حاشیه رانده شدن دین در دوره‌ی دوم حاکمیت کلیسا دانست؟

- ۱) ناسازگاری و تعارض میان عقل و علم تجربی در این دوره
- ۲) روی آوردن حکمای مسیحی به تبیین عقلانی مسائل دینی
- ۳) آشنایی و مطالعه‌ی کتاب‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد توسط حکمای مسیحی
- ۴) ناسازگاری توجه فیلسوفان مسیحی به عقل و عقلانیت، با مبانی اولیه‌ی کاتولیک

۱۸ در کدام گزینه، «درست و نادرست» در حیطه‌ی عقل نظری مطرح شده است؟

- ۱ رعایت حقوق دیگران کاری کاملاً درست است.
 ۲ مغالطه‌کاری و فریب دیگران نادرست است.
 ۳ خودپر تربیتی انسان رفتاری نادرست است.
 ۴ عقل‌گرا دانستن فیلسوفی مثل هیوم نادرست است.

۱۹ در کدام حالت از عقل عملی استفاده کرده‌ایم؟

- ۱ وقتی بفهمیم چیزی که فکر می‌کردیم وجود دارد، موجود نیست.
 ۲ آن‌گاه که متوجه شویم کاری که انجام داده‌ایم، درست نیست.
 ۳ وقتی متوجه شویم خداوندی هست که جهان نشانه‌ی قدرت اوست.
 ۴ آن‌گاه که وجود نفس یا روح را در انسان انکار یا اثبات کنیم.

۲۰ کدام گزینه درباره‌ی مفهوم کلمه در قرآن نادرست است؟

- ۱ هر حقیقتی حکم کلمه‌ی خدا را دارد.
 ۲ حضرت مسیح به طور خاص «کلمه» نامیده شده است.
 ۳ خداوند دارای کلمات بیانی نیز هست.
 ۴ مفاهیمی مثل «سنت» کلمات وجودی خدا هستند.

۲۱ منظور هراکلیتوس از این‌که اشیا جلوه‌ی «لوگوس» به شمار می‌آیند چیست؟

- ۱ هر کلمه‌ای یک شیء محسوب می‌شود.
 ۲ هر شیئی دارای یک نام خاص است.
 ۳ اشیا همان عقل مجرد از ماده هستند.
 ۴ اشیا از روی عقل و حکمت پدید آمده‌اند.

۲۲ کدام گزینه درباره‌ی اعتقادات ایرانیان باستان نادرست است؟

- ۱ مزدا را آفریننده‌ی حکیم جهان هستی می‌دانستند.
 ۲ خلقت جهان را امری عقلانی در نظر می‌گرفتند.
 ۳ عقل را صرفاً «توانایی خردورزی» معرفی می‌کردند.
 ۴ به وجود عقلی مجرد از ماده و نورانی باور داشتند.

۲۳ وقتی می‌گوییم «برخی انسان‌ها قدرت عقلی بیشتر و برخی قدرت عقلی کم‌تری دارند.» بر چه چیزی دلالت می‌کند؟

- ۱ ذاتی بودن تفاوت میان آدمیان در توانایی‌های عقلی
 ۲ عدم اعتبار استدلال عقلانی محض به طور کلی
 ۳ تفاوت در نظر گرفته شده میان عقل عملی و نظری
 ۴ استعدادی و بالقوه بودن توانایی عقلی در بدو تولد

۲۴ اگر عقل را توانایی انسان در استدلال کردن برای کشف حقایق بدانیم، آن‌گاه کدام گزینه درست خواهد بود؟

- ۱ عقل به این معنا در تمامی دانش‌های بشری کاربرد دارد.
 ۲ با دیدگاه تجربه‌گرایان از عقل در تضاد و تعارض است.
 ۳ نمی‌توان در حیطه‌های دینی و اعتقادی از آن استفاده کرد.
 ۴ کاربرد عقل به حیطه‌ی علوم نظری محدود خواهد شد.

۲۵ کدام عبارت، عقل عملی را به درستی و با دقت بیش‌تری توضیح می‌دهد؟

- ۱ آن عقلی که به علوم عملی، یعنی بایدها و نبایدها، مهارت‌ها و فنون اختصاص دارد.
- ۲ جنبه‌ای از عقل که بایدها و نبایدها را مورد بررسی و شناخت قرار می‌دهد.
- ۳ آن بعد از وجود انسان که به انجام بایدها و پرهیز از نبایدها مبادرت می‌ورزد.
- ۴ نوعی از عقل که به رفتارهای اختیاری و باید و نبایدهای او اختصاص دارد.

- ۱ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در همان ابتدای دورهٔ رنسانس، اختلافی میان فلاسفه دربارهٔ محدودۀ کارآمدی عقل آغاز شد و به تدریج رشد کرد. این اختلاف تا آنجا پیش رفت که فیلسوفان اروپا به دو دستهٔ «عقل‌گرا» و «تجربه‌گرا» تقسیم شدند (رد سایر گزینه‌ها).
- ۲ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هیچ فیلسوفی - اعم از تجربه‌گرا و عقل‌گرا - نمی‌تواند منکر عقل به طور کلی شود و بگوید که عقل نقشی در بررسی و اثبات درستی گزاره‌ها ندارد. هیچ‌کس بر سر اصل عقل و حجیت آن اختلافی ندارد بلکه اختلاف بر سر حیطةٔ کارکرد آن است؛ عقل‌گرایان برای عقل محض یا عقل فارغ از حس نیز اعتبار قائل‌اند اما تجربه‌گرایان آن را فقط در حیطةٔ حس و تجربه معتبر می‌دانند. بنابراین یک فیلسوف امپریست یا تجربه‌گرا نیز نمی‌تواند بپذیرد که عقل نقشی در بررسی و اثبات گزاره‌ها ندارد.
- ۳ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. دکارت به همهٔ توانایی‌های عقل، مانند بدیهیات عقلی، استدلال عقلی محض و تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد و غیرمادی انسان و اختیار او را اثبات کند. البته او به عالم عقل به عنوان عالم برتر و متعالی در جهان عقیده‌ای نداشت و عقل را صرفاً همان دستگاه تفکر و استدلال به حساب می‌آورد.
- ۴ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. هراکلیتوس از حقیقتی به نام لوگوس سخن می‌گوید که هم به معنای یک وجود و حقیقت برتر و متعالی است و هم به معنای نطق و سخن و کلمه. از نظر او سخن و کلمه، ظهور و پرتو عقل متعالی و برتر است. همان‌طور که آنچه را که انسان در ذهن دارد با کلام ظاهر می‌کند و به دیگران می‌رساند، جهان و اشیاء نیز ظهور آن وجود و حقیقت متعالی و برتر هستند.
- ۵ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. موجودات عالم عقول، از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی نیاز ندارند. علم آن‌ها از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست، بلکه آن‌ها حقایق اشیاء را شهود می‌کنند. روح هر انسان می‌تواند با تهذیب نفس به مرتبه‌ای برسد که در عین استفاده از قوهٔ استدلال، همچون فرشتگان، بسیاری از حقایق را نیز شهود کند.
- ۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. با توجه به مفهوم «لوگوس» در فلسفهٔ هراکلیتوس، عقل حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن.
- ۷ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. روح هر انسانی می‌تواند همچون عقول بسیاری از حقایق را شهود کند (نه همهٔ حقایق را).
- ۸ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. توجه کنید که نظر اگوست کنت به معنای انکار نقش عقل در شناخت نیست. بلکه او عقل را به عنوان ابزاری که به پردازش داده‌های حسی می‌پردازد به رسمیت می‌شناسد. با استفاده از عقل و اصول عقلی است که از پرداخت داده‌های حسی شناخت تجربی و همان علم حقیقی حاصل می‌شود. پس نظر اگوست کنت این نیست که عقل به امور انتزاعی و من‌درآوردی می‌پردازد و یا اینکه عقل و اصول عقلی ساخته و پرداختهٔ فیلسوفان است و ناظر به واقعیت نیست (رد گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴).
- ۹ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. دکارت تجربه را قبول دارد و شناخت تجربی را از توانایی‌های عقل برمی‌شمارد اما می‌گوید قبل از تجربه شناخت به وسیلهٔ عقل اتفاق می‌افتد.
- ۱۰ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. دورهٔ اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال‌های عقلی می‌ایستادند و می‌گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر چون و چراهای عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند. گویندهٔ عبارت مذکور در صورت سؤال نیز در دستهٔ این فلاسفه قرار می‌گیرد و از نظر وی عقل نه تنها ایمان‌زا نیست، بلکه مانع ایمان و سبب سست شدن آن است.

- ۱۱) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در همان ابتدای دورهٔ رنسانس، اختلافی میان فلاسفه دربارهٔ کارآمدی «عقل» آغاز شد و این اختلاف تا آنجا پیش رفت که فیلسوفان اروپا به دو دستهٔ «عقل‌گرا» و «تجربه‌گرا» تقسیم شدند.
- ۱۲) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. هراکلیتوس از حقیقتی برتر به نام لوگوس سخن می‌گوید و بیان می‌کند همان‌طور که سخن و کلمه بیانگر افکار و اندیشه‌های انسان است و آنچه را که انسان در ذهن دارد، با کلام ظاهر می‌کند و به دیگران می‌رساند، جهان و اشیا نیز ظهور آن وجود و آن حقیقت متعالی و برتر هستند. فیلسوف و حکیم چینی به نام «لائوتسه» که هم‌زمان با هراکلیتوس می‌زیسته به حقیقتی به نام «تائو» معتقد بوده و همان‌طور که هراکلیتوس همه چیز را ظهور لوگوس می‌دانسته است، او نیز عقیده داشته که همه چیز ظهور تائو است.
- لائوتسه معتقد بود که این حقیقت بی‌نام است و به سختی می‌توان آن را وصف کرد و توضیح داد. در این جمله که برگرفته از سخنان و نوشته‌های خود هراکلیتوس است شباهت مفهوم لوگوس با مفهوم تائو را بیشتر درمی‌یابیم.
- ۱۳) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. کاربرد دیگرعقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. موجودی که دارای ماده باشد، پیوسته در معرض تغییر و تحول است اما موجود مجرد از ماده، فاقد استعداد برای تغییر و حرکت است. تشریح سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۲: موجود مجرد از ماده و جسم در افعال خود به ابزار مادی نیاز ندارد و هم‌چنین بی‌نیاز از مفاهیم و استدلال نیز هست؛ زیرا حقایق را شهود می‌کند.
- گزینه ۳: فلاسفه دربارهٔ این معنا از عقل نیز بحث کرده‌اند، بنابراین این معنا در فلسفه نیز کاربرد دارد.
- گزینه ۴: روح هر انسانی استعداد رسیدن به این مرتبه از وجود را دارد و می‌تواند در مرتبهٔ عالم عقل قرار بگیرد و حقایق را از طریق شهود به دست آورد.
- ۱۴) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. عقل در معنای دستگاه تفکر و استدلال، همان کاربرد رایج عقل بین مردم است که یکی از ابزارهای شناخت انسان می‌باشد. انسان به کمک این ابزار استدلال می‌کند و به دانش‌ها و حقایق دست می‌یابد. این تعریف که می‌توان آن را جامع‌ترین تعریف‌ها به شمار آورد، عموم استدلال‌ها، اعم از تجربی، ریاضی، فلسفی، کلامی، فقهی، اخلاقی و حقوقی را که در حوزهٔ عقل نظری و عقل عملی قرار دارند، فرا می‌گیرد و شامل می‌شود.
- ۱۵) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در دوره‌ی حاکمیت کلیسا، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه‌ی کتاب‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد و سایر فیلسوفان مسلمان به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند و از آن‌جا که توجه به عقل و عقلانیت با مبانی اولیه‌ی کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت. این توجه به تدریج به گسترش عقل‌گرایی و عقب‌نشینی اندیشه‌های دینی انجامید تا این‌که در این دوره، عقل جای دین را گرفت.
- ۱۶) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. افلاطون و ارسطو از طریق دلایل عقلی (نه اخلاقی) به اثبات نامرئی و غیرفانی بودن نفس انسان پرداختند.
- ۱۷) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در دوره‌ی دوم حاکمیت کلیسا، حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه‌ی کتاب‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند ولی از آن‌جا که این توجه به عقل و عقلانیت با مبانی اولیه‌ی کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت این امر به گسترش عقل‌گرایی و عقب‌نشینی اندیشه‌های دینی انجامید.
- ۱۸) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در حیطه‌ی عقل نظری، از هست و نیست امور صحبت می‌کنیم. این که بگوییم «عقل‌گرا دانستن فیلسوفی مثل هیوم نادرست است.» به این معناست که هیوم فیلسوف عقل‌گرا نیست. پس از هست و نیست سخن گفته‌ایم نه باید و نباید و درستی و نادرستی اعمال اختیاری انسان.

- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عقل عملی درباره‌ی درستی و نادرستی کارهای اختیاری انسان بحث می‌کند؛ یعنی در این باره اظهار نظر می‌کند که انجام چیزی درست یا نادرست است. در حالی که عقل نظری درباره‌ی وجود یا عدم وجود اشیا صحبت می‌کند.
- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفاهیمی مثل سنت یا کفر یا توحید، در قرآن «کلمه» نامیده شده‌اند؛ اما «کلمات وجودی» همه‌ی مخلوقات خدا دانسته شده‌اند نه این مفاهیم خاص.
- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «لوگوس» دو معنی دارد: عقل و نطق یا کلمه. وقتی هراکلیتوس اشیا را جلوه‌ی «لوگوس» می‌داند، در واقع می‌خواهد عقلانی بودن اشیا را نشان دهد و این که هر موجودی براساس عقل و حکمت به وجود آمده است. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌ی ۱: هراکلیتوس اشیا را کلمه می‌داند نه برعکس. گزینه‌ی ۲: گرچه این حرف درست است، اما معنای سخن هراکلیتوس نیست. گزینه‌ی ۳: لزوماً هر چیزی عقل مجرد نیست و در ضمن، هراکلیتوس درباره‌ی مجرد عقل سخنی نگفته است.
- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. عقل در نظر ایرانیان باستان، هم موجودی مجرد و نورانی بود و هم بازار خردورزی و ارائه‌ی برهان.
- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. وقتی از قدرت عقلی بیش‌تر و کم‌تر در انسان‌ها صحبت می‌کنیم، منظور ما فعلیت یافتن یک توانایی ذاتی در انسان است که آن‌را عقل نامیده‌ایم. به عبارت بهتر، عقل لخودش کم و زیاد ندارد؛ اما در واقع یک توانایی بالقوه است که با تربیت و تمرین بالفعل می‌شود. حال همه‌ی انسان‌ها این توانایی بالقوه را دارند؛ اما برخی آن‌را به فعلیت بیش‌تری رسانده‌اند و برخی کم‌تر در این راه تلاش کرده‌اند.
- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. این که عقل را «توانایی استدلال کردن» معرفی کنیم، عام‌ترین تعریف برای عقل است و در تمامی دانش‌های عملی و نظری و تجربی و عقلی کاربرد خواهد داشت. زیرا هیچ‌کس نیست که بگوید عقل نمی‌تواند استدلال کند و این توانایی استدلال کردن در برخی حیاطه‌های بشری کاربرد ندارد.
- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اگر عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او بحث می‌کند مانند (باید راست گفت)، (باید قانون را رعایت کرد) و (نباید دروغ گفت) و (نباید ظلم کرد) عقل عملی نامیده می‌شود.